

# آسیب‌های مضاعف نابینایان و ناشنوایان از کووید۱۹

**افراد نابینا و ناشنوا نگران هستند که پزشکان، آن‌ها را از بیماری کرونا نجات ندهند**

(رایبن رایت، نیویورکر) - مترجم: عاطفه همایونی

ربکا الکساندر اندکی پس از آنکه فرماندار، اندرو کوومو، از متخصصان بهداشت روان درخواست کرد تا به آسیب دیدگان بحران کووید ۱۹ مشاوره دهند، برای این کار داوطلب شد. این روان درمانگر نیویورکی، تماس‌هایی را از یک پرستار جوان دریافت کرده بود. در این تماس‌ها صدای بیماران در حال مرگی که برای نفس کشیدن تقلا می کردند، او را به پی‌خوابی مبتلا کرده بود. یک پزشک برای او تعریف کرد دقیقا روزی که مادر خودش هشتادودوساله

- تهدید کرونا برای ناشنوایان و نابینایان

آدم‌هایی که مشکلاتشان را با الکساندر درمیان می گذاشتند، از دو چیز بی‌خبر بودند: اول اینکه او کاملا ناشنوا و نابیناست و دوم اینکه ۷۴میلیون آمریکایی‌و میلیون‌ها انسان دیگر در سراسر جهان، شبیه او هستند که برای برقراری ارتباط به حس لامسه وابسته‌اند و چون خودشان از خودشان مراقبت می‌کنند، ویروس کرونا برای آن‌ها یک تهدید جدی به حساب می‌آید. او می‌گوید: «وقتی قدرت بینایی و شنوایی یا هر دو را ندارید، بسیار به حواس دیگر تان تکیه می‌کنید. برای امثال من، آن حس دیگر، حس لامسه است.» اما لمس کردن، شایع ترین راه گسسترش

ویروس کروناست.»

افرادی که ناشنوا هستند، با زبان یا اشاره با دیگران ارتباط برقرار می‌کنند و این کار نیاز به هیچ ارتباط جسمی با شخصی دیگر ندارد اما اعضای جامعه نابینایان و ناشنوایان، با نشانه‌های لمسی یا با کمک‌نامی که با لمس بر دست شخص دیگری می‌نویسند، ارتباط برقرار می‌کنند. این نوعی ارتباط است که ه‌لن کلر و معلم او، آن سالیوان، ابداع کردند. در طول بیماری همه‌گیر، اشکال جدید مراقبت بهداشتی ازجمله حفظ فاصله‌گذاری اجتماعی و استفاده از ماسک و دستکش، ارتباط را برای این افراد پیچیده کرده است. بسیاری از نابینایان و ناشنواهان می‌توانند خط بریل را با دستکش بخوانند، زیرا دست آن‌ها بی‌حس می‌شود. بسیاری از کسانی که تاحدودی بینایی دارند، نمی‌توانند با وجود ماسک، لب‌خوانی کنند. روبر تا کوردانو، رئیس دانشگاه گالودت واشنگتن دی‌سی، به من گفت: «تگرانی من این است که برنامه ریزی‌ها برای این همه‌گیری، این جامعه را کاملا نادیده گرفته است.» گالودت تنها دانشگاه مخصوص ناشنوایان در ایالات متحده است. حداقل ۱۵دانشجوی این دانشگاه، نابینا و ناشنوا هستند. کوردانو می‌گوید: «صادقانه بگویم؛ در مقیاس ملی هیچ مکان‌نیسمی برای حمایت از نابینایان و ناشنوایان در سیستم مراقبت‌های بهداشتی فعلی آمریکا وجود ندارد.»

جامعه نابینا-ناشنواها در این همه‌گیری فراموش شده‌اند. وقتی تهیه گزارش این بخش را شروع کردم، هیچ تصویری از دامنه مشکلات یا عمق ترس آن‌ها نداشتم. بیش از ۳هزار نفر از نابینا-ناشنواها از سراسر دنیا، احساساتشان را در نامه‌ها و تماس‌هایی تلخ برایم بروز می‌دادند. بعضی‌هایشان هم ازطریق لایه‌های پیچیده نشانه‌ها و خط بریل. آن‌ها به من می‌گفتند: «نابینا-ناشنواها نیاز به ترحم ندارند.» بسیاری از آن‌ها، حتی در مواقع عادی، از تصورات ساده‌انگارانه درمورد بقای قهرمانانه خود در دنیای دیدن‌ها و شنیدن‌ها، خسته شده‌اند.»

الکساندر، روان درمانگر نابینا-ناشنوا

را که به‌کارمندان بیمارستان نیویورک

مشاوره می‌دهد، یک روز شکار حرفه‌ای

است. او به کلیمانجارو صعود کرده،

اسکای دایوینگ(یا پرش آزاد و تعادلی

در آسمان) می‌رود و از جزیره آلکاتراز

تا ساحل سانفرانسیسکو شن‌ا می‌کند.

او کتاب پر فروش «محو نشو: خاطراتی

از احساسات گم‌شده و پیدا‌شده»،

«Not Fade Away Memoir of

Senses Lost and Found» را

نگاشته که کارگردان مطرح، جان

کرازینسکی، براساس آن فیلمی ساخته

است. او می‌تواند از اولین مشاوران

بیمار ستان نیویورک باشد، زیرا کاشت

حلزون گوش انجام داده است که حداقل

شنوایی را برای او فراهم می‌کند. بدون

آن‌ها، هیچ چیز نمی‌شنوند. او می‌گوید:

«هیچ‌کدام از افرادی که با من صحبت

می‌کنند، نمی‌دانند که در زندگی روزمره،

من آخرین کسی هستم که برای کمک

به‌سراغش خواهند رفت.» اما افراد نابینا-

ناشنوا می‌خواهند حس کنند که به‌اندازه

باقی انسان‌ها، شانس زندگی‌گر دارند.

بسیاری از این موضوع اظهار نگرانی

می‌کنند که بیمارستان‌ها سیاست،

امکانات یا خدمات لازم را برای کمک

به آن‌ها ندارند. آن‌ها می‌ترسند که در

سیستم مراقبت‌های بهداشتی، قربانی

تریاز<sup>۱</sup> دارویی شوند. هابن جیرما، وکیل

آمریکایی-آریتره‌ای<sup>۲</sup>، به من گفت از



این می‌ترسد که بیمارستان‌هایی که با کمبود منابع روبه‌رو هستند، تصمیم بگیرند جان ما را نجات ندهند: «یک فرضیه بر مبنای توان گرای(ableism) وجود دارد که باعث می‌شود برخی مردم فکر کنند که مردن، بهتر از زندگی با معلولیت است.» در سال ۲۰۱۳، جیرما اولین فرد نابینا-ناشنوایی بود که از دانشکده حقوق دانشگاه هاروارد فارغ‌التحصیل شد. در سال ۲۰۱۴، او در «تد تاک» سخنرانی کرد و ویدئویش، بیش از ۲۵هزاربار دیده شد. او یک کتاب پر فروش نوشته است و برای برگزاری سخنرانی‌هایش به دور دنیا سفر می‌کند. جیرما گمان می‌کند در طول همه‌گیری، بیمارستان‌ها ممکن است اجازه ندهند مترجمانی که می‌توانند از لمس کردن استفاده کنند، بیماران نابینا-ناشنوا را همراهی کنند؛ هم برای امنیت مترجمان و هم به دلیل تجهیزات مراقبتی محدود. او می‌گوید: «اگر من از بیماری کرونا رنج می‌بردم، قدرت دفاع از خود را نداشتم. پزشک ممکن است به پرونده سلامتی من نگاه کند و بگوید زندگی من ارزش نجات دادن را ندارد، بنابراین بسیاری از پزشکان، ارزش زندگی ما را ناچیز تلقی می‌کنند.»

لیزا فریس یک نابینا-ناشنواست که به‌همراه همسر نابینایش یک شرکت آموزشی فناوری کمکی برای معلولان را در اورگان پورتلند اداره می‌کند. وی وضعیت جامعه نابینا-ناشنواها را دربرابر این بیماری، این‌گونه توصیف می‌کند: «فاجعه‌ای که در انتظار وقوع است، من می‌توانم با شخصی که بر صفحه کلید دستگاه بریل من تاپی می‌کند، ارتباط برقرار کنم و آن را در صفحه نمایش بریل بخوانم. اما ای‌آن‌ها به من اجازه خواهند داد که دستگاه بریل را نگه دارم؟ آیا آن‌ها حاضرند صفحه کلید من را لمس کنند؟ آیا آن‌ها در این وضعیت صبر و حوصله دارند تا با مشکلات من درگیر شوند؟» او در ادامه می‌گوید: «این عید که ما، به عنوان معلول، می‌توانیم در یک موقعیت تری‌اژ کنار گذاشته شویم، بسیار تحقیرآمیز است. من فکر نمی‌کنم زندگی

من بیشتر از دیگران ارزش داشته باشد، اما مطمئنا این تصور را هم ندارم که ارزش آن، کمتر از زندگی بقیه است.»

هیچ بانک اطلاعاتی‌ای درمورد تعداد افراد نابینا-ناشنوای مبتلا به کووید ۱۹ وجود ندارد اما مسئله ارزش انسانی در روند این بیماری، به‌خصوص برای سالمندان، بی‌خانمان‌ها و افراد دارای معلولیت، یک جریان پنهان آزار دهنده بوده است. برای افراد نابینا-ناشنوا، مسئله حیاتی فقط دانستن این موضوع است که در اطراف آن‌ها چه می‌گذرد. روسانا ریس، یک مشاور است. او که ۴۷سال دارد و در واشنگتن زندگی می‌کند، می‌گوید: «ما نگران هستیم که بدون برقراری ارتباط، در انزوا قرار بگیریم و دیگر قادر به برقراری ارتباط نباشیم.»

● نابینا-ناشنواها: آسیب‌پذیر در برابر کرونا
سوز رزنسکی، مدیر اجرایی مرکز ملی هلن کلر، بیان می‌کند: «از زمان شروع همه‌گیری، بسیاری از نابینا-ناشنوا، دسترسی به دو نوع اصلی کمک‌های انسانی را از دست داده‌اند: ارائه‌دهندگان خدمات و مترجمان.» ارائه‌دهندگان خدمات حمایتی، یا داوطلب هستند یا کارگران کم‌درآمدی که برای چندساعت در هفته به اعضای جامعه نابینا-ناشنوا کمک می‌کنند تا کارهای اساسی مانند خرید، کارهای خانه یا خواندن ایمیل‌هایشان را انجام دهند. مترجمان که کارشان تخصصی است و درآمد خوبی هم دارند، با استفاده از چندین فناوری به نابینا-ناشنواها کمک می‌کنند تا با دیگران ارتباط برقرار کنند. پس از شیوع بیماری همه‌گیر، لری هوگن، فرماندار مریلند، دستور اجرایی «۲۰۳۲۰-۲۰۳۱» را در ماه مارس صادر کرد: ارائه‌دهندگان خدمات و مترجمان زبان، باید کارکنان ضروری تلقی شوند اما بیشتر ایالت‌ها این مشاغل را ضروری نمی‌دانند.

فدراسیون جهانی نابینا-ناشنواها در این ماه اعلام کرد: «بیشتر -اگر نه همه- افراد نابینا-ناشنوا هنوز هم به مترجم مخصوص نیاز دارند تا در صورت پشتیبانی نکردن خانواده یا در جایی که روش‌های جایگزین ارتباطات با شکست روبه‌رو شده است، به

روزنامه  
شهرامید  
وزندگی

۲شنبه  
۱۲خرداد۱۳۹۹  
۹شماره ۳۱۸۸

۵۰  
SHAHRAANNEWS.IR

زندگی+کرونا

### افزایش فوتی‌های کرونا در ایران

در حالی که ۴۸ ساعت قبل، شمار فوت‌شدگان ناشی از ابتلا به ویروس کرونا ۵۷نفر گزارش شده بود، روز گذشته این آمار با افزایش ۶نفر به ۶۳نفر رسید.طبق خبر منتشرشده در خبرگزاری ایسنا و به نقل از سخن گوی وزارت بهداشت، تا ظهر روز گذشته و طی ۲۴ساعت، ۱۲۵۱۶ابتلای جدید به ویروس کرونا در کشور به ثبت رسید، ضمن

اینکه ۱۷استان نیز در وضعیت هشدار قرار دارند.

به گفته کیانوش جهانپور، شمار مبتلایان با احتساب آمار جدید، از مرز ۱۵۰هزار نفر عبور کرد و به عدد ۱۵۱هزار و ۴۶۶نفر رسید، ضمن اینکه از بین مبتلایان جدید، ۱۱۵نفر بستری شدند و ۲هزار و ۵بیمار هم از افراد در تماس با مبتلایان بودند که شناسایی شدند. همچنین آمار جان باختگان به عدد ۷هزار و ۷۹۷نفر رسید تا آمار فوتی‌ها نیز به مرز ۸هزار نفر برسد.بر همین اساس، تاکنون ۱۱۸هزار و ۸۴۸نفر از بیماران، بهبود یافته یا از بیمارستان‌ها ترخیص شده‌اند و ۲۵۲۷نفر از بیماران مبتلا به کووید ۱۹ در وضعیت وخیم این بیماری تحت مراقبت هستند. علاوه بر این تاکنون ۹۳۵هزار و ۸۹۴زمایش تشخیص کووید ۱۹ در کشور انجام شده است.طبق اعلام سخن گوی وزارت بهداشت، خوزستان همچنان در وضعیت قرمز است و استان‌های اصفهان، آذربایجان‌های شرقی و غربی، لرستان، کرمانشاه، هرمزگان و سیستان وبلوچستان در وضعیت هشدار به سر می‌برند.

### ورود ۵شرکت دانش‌بنیان به حوزه ساخت واکسن کرونا

با افزایش تلاش‌های علمی برای مقابله با کرونا، دبیر ستاد توسعه زیست فناوری معاونت علمی وفناوری ریاست جمهوری، از ورود پنج شرکت فعال در حوزه واکسن آنفلوآنزا برای ساخت واکسن کرونا خبر داده است.آن‌گونه که تسنیم خبر داده، مصطفی قاضی اعلام کرده است: در حدود چهار ماهی که از شیوع کرونا می‌گذرد، چهار شرکت در این حوزه برای ساخت واکسن کرونا در حال تلاش هستند. به اعتقاد وی، ایران در حوزه مقابله با بیماری کرونا نه‌تنها از دیگر کشورها عقب‌تر نیست، بلکه در تولید برخی تجهیزات مقابله با کرونا، جلوتر از آن‌ها هم هست و با کمک همین توانمندی‌ها توانسته است به کشور صادرکننده تجهیزات تبدیل شود.

### ساخت کیت پرطرفدار تشخیص کرونا در کشور

محققان یک شرکت دانش‌بنیان وابسته به دانشگاه صنعتی امیرکبیر، کیتی را طراحی کردند که در مدت ۵۵دقیقه و ازطریق بزاق دهان، ویروس کرونا را تشخیص می‌دهد. به گزارش فارس، کشورهایی مانند آذربایجان، ترکیه، رومانی، اسپانیا و انگلستان خواهان خرید این کیت‌ها هستند؛ البته کیت‌های مدنظر طبق مقررات اداره‌کل تجهیزات پزشکی، برای بررسی کخی و کیفی به انستیتوپاستور تحویل داده شد و انستیتوپاستور تاییدیه کیت تشخیص مولکولی را دریافت کرد و اکنون در حال طی آخرین مراحل برای صدور مجوز تولید است. گفته می‌شود دقت کیت‌های طراحی شده در این شرکت، بین ۲/۵ تا ۱۰برابر بیشتر از کیت‌های وارداتی است.

## طب سنتی و علم پزشکی در تقابل با کرونا

در چند ماه گذشته و در کنار دردها و نگرانی‌های شیوع بیماری جدید، مسائلی در طب سنتی و جدید مطرح شد که باعث شده‌عده‌ای آن را زیر سوال ببرند. حقیقت این است که ما در طب سنتی، روش غلط و دستور غلط نداشتیم، بلکه کسانی که دستورات را به مردم دیکته کردند، اصلا علمی در این زمینه نداشتند و در کار دیگران دخالت کردند. ما از طرف متخصصان طب سنتی دستور اشتباه نداریم. افراد غیرمتخصص تصور می‌کردند اظهار نظر، کار درست است و درباره ویروسی اظهار نظر می‌کردند که همه دنیا در همه علوم برای تشخیص و درمان آن دچار مشکل شده بودند. براساس اخبار و اطلاعاتی که به‌دست ما می‌رسد، همه روش‌هایی که تاکنون پیشنهاد شده است، نگهدارنده بوده و برپایه سابقه دیگر بیماری‌ها صورت گرفته و هیچ روشی تازه‌حال درمان‌کننده نبوده است. یک روز از افرادی که «هیدروکسی کلروکین» که ضد مالاریا و ضد روماتیسم است، نام می‌بردند روز دیگر اثر «ایزوتریماسین» را بر درمان کرونا موثر می‌دانند که البته هیچ‌کدام از آن‌ها نه تأیید شده است و نه رد. تحقیقات همچنان ادامه دارد و هنوز به درمان قطعی نرسیده‌اند. در سه‌استفاده از طب سنتی هم آن افرادی که به‌خصوص در شبکه‌های اجتماعی مطرح شدند، کسانی بودند که با‌انگیزه‌های غیر درمانی و شاید تنها با دلایل مادی، نسخه‌هایی را توصیه کردند که دانش کافی آن را نداشتند، درحالی‌که کووید ۱۹ یک ویروس جدید است و تنها چهار ماه از عمر آن می‌گذرد.

اصلا بنا نیست که بگویم طب سنتی برای درمان بیماری‌ها فقیر است، بلکه راهکارهای مخصوص به خود را دارد. ما در مبارزه با ویروس، واکنستی نداریم، بلکه هم در طب جدید و هم در طب قدیم، از درمان‌های نگهدارنده استفاده می‌کنیم. حالا هر دو طب ممکن است متناسب با وضعیت بیماری را از روش‌های یکدیگر برای درمان استفاده کنند؛ یعنی بگویند برای درمان آنفلوآنزا از فلان دارو استفاده می‌کنیم و چون کرونا هم شباهت‌هایی به آن دارد، می‌توانیم از برخی روش‌های درمانی آن استفاده کنیم که برخی موثر است و برخی بی‌اثر. ازسوی دیگر توصیه‌هایی کلی می‌وجود دارد که هر دو طب آن را قبول دارند؛ به‌عنوان نمونه خوردن مایعات گرم را هر دو طب قدیم یا جدید درباره‌اش توافق دارند یا خوردن ویتامین C و D در هر دو علم مورد پذیرش است. راهکارهایی همچون پرهیز کردن از تماس‌های نزدیک و خودداری از حضور در مکان‌های بسته، نیز از توصیه‌های همه علوم درمانی است.

علم، ساختاری است که نمی‌توانیم آن را به سنتی و جدید و قدیم تقسیم کنیم، زیرا طب سنتی از چند هزار سال پیش بوده و درمان بیماری‌ها با آن تأیید شده است و علم جدید، برخی نواقص آن را برطرف کرده است و درمقابل، نواقص علم جدید با کمک طب قدیم برطرف می‌شود. هنوز هم برخی بیماری‌ها وجود دارند که علم روز پزشکی از درمان آن‌ها عاجز است اما می‌توانیم از طب سنتی برای درمان آن کمک بگیریم. نگاه‌های یک‌جانبه را باید کنار ببریم. گاهی هم افراد متعلق به گروه‌ها و دسته‌هایی هستند که مبرضانه درمقابل طب سنتی می‌ایستند اما نباید همه‌چیز را از بین برد.

طب سنتی راهکار خودش را دارد و طب جدید هم. این روزها عده‌ای تنها به طب سنتی اتکنا کرده‌اند و عده‌ای دیگر پرچمدار طب جدید هستند. کرونا را هم مانند هر بیماری دیگری باید با نگاه سنتی و هم نگاه جدید، درمان کرد.



علیرضا  
رئیس،  
معاون  
بهداشت  
وزارت  
بهداشت:

**ویروس کرونا**

**شده و نه**

**از بین رفته**

**است، بلکه**

**با همان**

**قدرت به کار**

**خود ادامه**

**می‌دهد؛ البته**

**میزان شیوع**

**بیماری از**

**شهری به شهر**

**دیگر و حتی**

**در مناطق**

**مختلف**

**شهرها**

**متفاوت**

**است؛**

**چراکه برخی**

**به‌خوبی**

**به‌تکات**

**بهداشتی**

**مقید**

**هستند و**

**فاصله‌گذاری**

**اجتماعی**

**را رعایت**

**می‌کنند.**

# زمانی دوباره همدیگر را در آغوش خواهیم کشید

**نورا ابوسونگ، نویسنده آلمانی برنده جایز هتوماس مان، از قرنطینه می‌گوید**

به نوشتن در تنهایی عادت دارم و این سبک زندگی انتخاب شخصی‌ام است، اما ناگهان احساس می‌کنم که دیگر حق انتخابی ندارم. به نظر من انزوا و فاصله‌گذاری اجتماعی، سرکوب‌گرانه و خفه‌کننده است. کسانی را می‌شناسم که در این شرایط آرامش خود را حفظ کرده‌اند، به تنهایی زندگی می‌کنند و در برابر وقایع خوش‌بین‌اند. از گروهی هم هستند که به شدت از قرار گرفتن در چنین شرایطی آزرده‌اند. فکر می‌کنم به دنبال این شرایط نه تنها مثبت‌ترین وجوه جامعه به نمایش گذاشته می‌شود، بلکه گاهی جوانب منفی آن هم به چشم می‌آید.

اگر بخواهم مثبت به‌ماجرای نگاه کنم، با وجود کرونا حالا کمی آرام گرفته‌ایم. دیگر نیازی نیست برای رسیدن به قرارهای ملاقات‌مان عجله کنیم، دیگر قرار نیست تمامی کنفرانس‌ها برگزار شوند و در صورت برگزاری، این‌کار می‌تواند از راه دور صورت بگیرد. حالا به طبیعت اجازه می‌دهیم اندکی تنفس کند و خیلی چیزهای دیگر که آرزو می‌کنم کاش برای همیشه باقی می‌ماندند.

اما در کنار این‌ها، دلم برای دوستانم خیلی تنگ شده است. اصلا با نرم‌افزارهایی مثل اسکایپ ارتباط برقرار نمی‌کنم. ترجیح می‌دهم با دوستانم حضوری دورهم جمع شویم. من تقریباً در کافه‌ها زندگی می‌کردم. بیشتر کارهایم را آنجا انجام می‌دادم. دلم برای سفر کردن هم تنگ شده است. از طرفی کلا به سفر کردن علاقه دارم و از طرف دیگر سفر کردن برای کارم هم اهمیت دارد.

تقریباً همیشه محل زندگی‌ام را برای مدت زمانی تغییر می‌دهم؛ مثلاً زمانی که می‌خواهم بر روی رمانی کار بکنم اما چنین کاری در حال حاضر ممکن نیست.

این روزها «کوه جادو» توماس مان را

می‌خوانم. به اندازه «جنگ و صلح» تولستوی طولانی نیست، اما حداقل هزار صفحه دارد. جملات طولانی‌اش به من قوت قلب می‌دهد. شیوه آرامش‌بخش روایت و جزئیات داستان -که حتی ممکن است دیگر مواقع برایت آزاردهنده باشد- ادراک زمان توسط مردمی که در آن آسایشگاه در داووس نشسته‌اند و هفته‌ها و آدم‌ها و روزها و دقائق از بی‌همی گذرند. همگی مناسب شرایط کنونی ماست؛ البته اگر آدم‌های حساسی هستید، باید مراقب باشید و اصلا شاید این اثر، مناسب شرایط فعلی نباشد اما این کتاب در اولین روزهای شیوع کرونا، من را به شیوه‌ای دلپذیر به زندگی برگرداند.

از این دوران می‌توان درس‌هایی هم گرفت. یکی از این آموزه‌ها، نوعی تنهایی چندجانبه است. هنوز نمی‌دانم که آیا می‌توانیم این‌تنهایی را در مسیری

ایده‌آل به‌کار بندیم؟ درس دیگری که ما در غرب تجربه کردیم، این بود که ما نیز آسیب‌پذیر هستیم. اینکه ویروس سارس در مرزهای آسیا متوقف نمی‌شود یا اینکه دیگر بیماری‌ها فقط مختص آفریقا نیستند. اینکه نظام سلامت ما توانایی مدیریت همه مسائل را ندارد.

فکر می‌کنم ریشه این مسئله، غفلت و غرور است که حالا ما باید بهای آن را بپردازیم. پیام من به شما این است که آرامش خود را حفظ کنید. همیشه نباید به این خاطر که در شرایط خسته‌کننده‌ای قرار گرفته‌ایم، عصبانی شویم و در پشت سرمان بگوییم. لطفاً این نکته را به‌خاطر داشته باشید که بالاخره زمانی دوباره همدیگر را ملاقات خواهیم کرد، با یکدیگر دست خواهیم داد و همدیگر را در آغوش خواهیم کشید.»